

هجرت از عرفان و حکمت به فقه و اصول

محسن کدیور



حسین‌علی منتظری و مرتضی مطهری از سال ۱۳۲۰ شاگرد آقای خمینی بودند، ابتدا درس عمومی اخلاق، سپس حکمت منظومه‌ی سبزواری و بالاخره سفر نفس اسفار ملاصدرا. آقای خمینی در آن زمان متوغل در حکمت و عرفان بود و به جز تحصیل خارج فقه و اصول در محضر آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی (تا سال ۱۳۱۵) اشتغال اصلی در فقه و اصول نداشت. منتظری و مطهری برای نخستین بار از او می‌خواهند برایشان خارج اصول فقه تدریس کند. این نخستین تدریس منقول

آقای خمینی در مقطع خارج است. آقای خمینی طی سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ به‌طور کلی عرفان و حکمت را ترک و به فقه و اصول هجرت کرد. خمینی عارف و حکیم جای خود را به خمینی فقیه و اصولی داد. از سوی دیگر آقای منتظری شاخص‌ترین شاگرد مرجع اعلای شیعه آقای سیدحسین بروجردی است که افتخار انتشار نخستین تقریرات فقه و اصول ایشان را در زمان حیات استاد و با اجازه‌ی ایشان در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۷ در کارنامه‌ی خود دارد.

بعد از وفات آقای بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ مراجع تقلید در نجف آقایان حکیم، سیدعبداله‌ادی شیرازی، و شاه‌رودی و در قم آقایان شریعت‌مداری و گلپایگانی و در دیگر شهرستانها آقایان سیداحمد خوانساری و میلانی بودند و آقای خمینی مطلقاً در عداد مراجع محسوب نمی‌شد، اگرچه برخی خواص حوزوی به‌وی متماایل بودند. پیش‌تازی آقای خمینی در مبارزات مرجعیت و روحانیت در قضایای انجمنهای ایالتی و ولایتی، رفراندم انقلاب سفید و کاپیتولاسیون و مواضع رادیکال ایشان در مقایسه با دیگر مراجع و علما باعث شناخته‌شدن وی در میان مردم شد. او در آبان ۱۳۴۳ در زمان تبعید به ترکیه مشهورترین روحانی مخالف رژیم شاهنشاهی و شاخص‌ترین مجتهد سیاسی شیعه محسوب می‌شد، اما علیرغم دروس آبرومند فقه و اصول، به‌دشواری در زمره‌ی ده چهره‌ی نخست مرجعیت تقلید به‌حساب می‌آمد. در زمزمه‌ی مرجعیت آقای خمینی، شاگرد وفادارش آقای منتظری نقش اصلی داشت. در این مقال مرجعیت و نهضت تا آبان ۱۳۴۳ مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.

کتاب «استیضاح خبرگان و رهبران دینی جمهوری اسلامی (۷۰-۱۳۶۲)» تحلیل انتقادی اولین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری، صد روز آخر حیات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، و دو سال نخست زمامداری جانشین وی است. موضوع بخش اول این کتاب بررسی فعالیت‌های نخستین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری است. این بخش شامل چند فصل است. فصل نخست با عنوان «نورافشانی بر تاریک‌خانه‌ی روح‌القوانین» به آشنائی مقدماتی با این مجلس عالی اختصاص داشت. فصل دوم با عنوان «نظارت در نطفه خفه شده‌ی خبرگان بر رهبری» عهده‌دار بحث اجرای

اصل یک‌صد و یازده قانون اساسی بود. در فصل سوم با عنوان «اعلام خطر رخنه‌ی بزرگ در نظام سه سال قبل از وقوع» * مصوبات مجلس خبرگان راجع به اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی - که از سنخ وضع مقررات بوده - به‌ویژه شرط مرجعیت رهبری از طریق کمیسیون‌ی به‌همین نام مورد بحث تفصیلی قرار گرفت. این فصل به بحث و بررسی مصوبات مجلس خبرگان رهبری در ارتباط با اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ خارج از کمیسیون پیش‌گفته که از سنخ تعیین مصداق بوده است می‌پردازد. در حقیقت موضوع این فصل تعیین رهبر آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی توسط مجلس خبرگان است.

مجلس خبرگان در زمان حیات آقای خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی رهبری آینده‌ی نظام دو مصوبه به شرح زیر داشته است:

اول. مصوبه‌ی مورخ ۲۵ تیر ۱۳۶۴ خبرگان در رابطه با تحقیق در مورد فقها به‌منظور شناسائی رهبر آینده: «ماده‌ی واحده. خبرگان موظفند در اسرع وقت در زمان حیات رهبر یا اعضای شورای رهبری، به‌منظور شناسایی رهبری آینده بین فقهای حائز شرایط که در اصل ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی برای مرجعیت و رهبری ذکر شده است، بررسی و به‌صورت الاولی فالاولی تصمیم‌گیری نمایند و نتیجه را به‌اطلاع مقام رهبری برسانند.» (۱)

دوم. مصوبه‌ی مورخ ۱۹ آبان ۱۳۶۴ خبرگان درباره‌ی شناسائی مصداق رهبر آینده: «ماده‌ی واحده. حضرت آیت‌الله منتظری دامت برکاته در حال حاضر مصداق منحصر به فرد قسمت اول از اصل ۱۰۷ قانون اساسی است و مورد پذیرش اکثریت قاطع مردم برای رهبری آینده می‌باشد، و مجلس خبرگان این انتخاب را صائب می‌داند.» (۲)

پرسش‌های اصلی این فصل چنین است: مجلس خبرگان در چه شرائطی و با چه تحلیل حقوقی به فکر تعیین رهبری آینده افتاد؟ و با چه موازین و سابقه‌ای به آقای حسین‌علی منتظری نجف‌آبادی رسید؟ کدام‌یک از خبرگان در این زمینه فعالیت بیشتری داشتند؟ نظر آقای خمینی و شخص آقای منتظری در این زمینه

چه بود؟ البته آقای خمینی ده هفته قبل از وفاتش آقای منتظری را عزل کرد. بحث عزل و عوامل آن موضوع فصل بعدی است. در این فصل منحصرأ درباره تعیین رهبر آینده، زمینه، لوازم و پیامدهای آن تا ۱۳۶۸ بر اساس منابع دست اول در ضمن چهار باب به شرح زیر بحث می‌شود:

- شخصیت دوم نهضت (از آغاز تا پیروزی)

- شخصیت دوم نظام (از بهمن ۵۷ تا تیر ۶۴)

- مصوبات مجلس خبرگان در مورد رهبری آینده (تیر - آبان ۱۳۶۴)

- قائم‌مقام رهبری (از آبان ۶۴ تا فروردین ۶۸)

هر باب شامل چند مبحث، هر مبحث دربردارنده چند مطلب، و هر مطلب شامل چند بحث است. در این مجال نیمه‌ی اول باب نخست (مبحث اول و دوم) به احترام ششمین سالگرد درگذشت استاد منتظری عرضه شده است. نیمه‌ی دوم آن نیز به زودی منتشر خواهد شد. نویسنده پیشاپیش از نقد آراء خود استقبال می‌کند.

باب اول. شخصیت دوم نهضت (از آغاز تا پیروزی)

در ایران از حوالی سال ۱۳۴۱ نهضتی به وقوع پیوست که شخصیت نخست آن آقای خمینی بود و در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. پرسش اصلی این باب این است: شخصیت دوم این نهضت چه کسی بوده است؟ نزدیک‌ترین فرد به لحاظ علمی و عملی به آقای خمینی تا بهمن ۱۳۵۷ چه کسی بوده است؟ مراد از بُعد علمی علوم حوزوی به خصوص فقه و اصول است که تخصص در آنها شرط اصلی تصدی ولایت فقیه می‌باشد. مراد از بُعد عملی شجاعت مبارزه اعم از زندان و تبعید در دوران طاغوت است. بحث را از ابتدای قرن چهاردهم هجری شمسی شروع می‌کنم. این دوران ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۷ در چهار مرحله مورد بحث قرار می‌گیرد: مرحله اول ۱۳۰۱ تا ۱۳۴۰ درگذشت آقای بروجردی، مرحله‌ی دوم ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳

تبعید آقای خمینی، مرحله‌ی سوم ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۹ درگذشت آقای حکیم، و مرحله‌ی چهارم از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ پیروزی نهضت. متناسب با این به مقاطع زمانی این باب در ضمن چهار مبحث سامان یافته است:

- تأسیس درس خارج آقای خمینی
- مجاهدتهای سیاسی و زمزمه‌ی مرجعیت
- مبارز اول داخل کشور
- معرف اصلی مرجعیت آقای خمینی

مبحث اول. تأسیس درس خارج آقای خمینی

در این مبحث دو استاد (آقایان بروجردی و خمینی) و دو شاگرد (منتظری و مطهری) از حوالی سال ۱۳۰۱ تا درگذشت آقای بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ ضمن دو مطلب به شرح زیر مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرند:

- خمینی، منتظری و مطهری در سالهای ۱۳۰۱-۲۳
- بروجردی، خمینی، منتظری و مطهری در سالهای ۱۳۲۳-۴۰

مطلب اول. خمینی، منتظری و مطهری در سالهای ۱۳۰۱-۲۳

در این مطلب فعالیت‌های علمی آقایان خمینی، منتظری و مطهری در فاصله‌ی زمانی سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۲۳ طی دو بحث به شرح زیر به اختصار مرور می‌شود:

- فعالیت‌های علمی آقای خمینی
- دو محصل

بحث اول. فعالیت‌های علمی آقای خمینی

آقا سیدروح الله موسوی خمینی (۱۳۶۴-۱۲۸۱) در سال ۱۲۹۸ از خمین به اراک و در سال ۱۳۰۱ اندکی بعد از تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم به دست آقای شیخ

عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۱۵-۱۳۲۸) روانه‌ی قم شد. (۳) بنابراین سال ۱۳۰۱ سال ورود آقای خمینی به حوزه‌ی قم است. در این بحث فعالیت‌های علمی وی در این مقطع زمانی از سه محور تحصیل، تدریس و تالیف بررسی می‌شود.

مهم‌ترین اساتید آقای خمینی (۴) عبارتند از: شیخ عبدالکریم حائری یزدی از ۱۳۰۵ خارج فقه و اصول، و میرزا محمدعلی شاه‌آبادی (۱۳۲۸-۱۳۵۱) از ۱۳۰۷ عرفان نظری و عملی. آقای خمینی اگرچه در تحصیل فقه و اصول کمتر از همگنان خود (از قبیل آقایان سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، سیدکاظم شریعتمداری، و سیدشهاب الدین مرعشی نجفی) نبود، اما کفهی عرفان و حکمت در دوران تحصیل وی سنگین‌تر از ایشان بوده است.

آقای خمینی از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۸ مدرس حکمت متعالیه در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده (۵) و سه دوره شرح منظومه‌ی سبزواری و یک دوره اسفار ملاصدرا (به‌غیر از مباحث جواهر و اعراض) و بخش‌هایی از آن را به‌صورت مکرر تدریس می‌کرده است. (۶) در سال ۱۳۱۸ در مدرسه‌ی دارالشفای قم حکمت منظومه تدریس می‌کرده، و آخرین دوره‌ی تدریس الهیات منظومه‌ی وی سال ۱۳۲۱ بوده است. ده تا بیست نفر در درس اخیر شرکت می‌کردند. (۷) در سال ۱۳۲۲ سفر نفس اسفار را تدریس می‌کرده، در این درس هشت نفر شرکت می‌کردند. (۸) ایشان از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۵ شب‌های پنجشنبه و جمعه در مدرس زیرکتابخانه‌ی مدرسه‌ی فیضیه درس عمومی اخلاق پروونقی داشته که علاوه بر طلاب برخی مردم عادی و بازاریان قم نیز در آن شرکت می‌کرده‌اند. (۹) سوابق ایشان در تدریس فقه و اصول عبارتند از تدریس رسائل، (۱۰) مکاسب و کفایه. (۱۱)

شهرت آقای خمینی به حکمت و عرفان به‌حدی بود که برخی مقدسین حوزه‌ی قم وی را تکفیر کردند. خود وی این قضیه را چنین نقل می‌کند: «در مدرسه‌ی فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید. کوزه را آب کشیدند چرا که من فلسفه می‌گفتم.» (۱۲)

آقای خمینی از ۱۳۰۷ دست به قلم می‌برد و تا ۱۳۲۳ نه کتاب به رشته‌ی تحریر

درآورده، هشت کتاب صبغهی عرفانی اخلاقی و یک کتاب هم سیاسی دینی است. همه‌ی کتب عرفانی ایشان بعد از انقلاب منتشر شده‌اند. (۱۳) تالیفات ایشان به ترتیب تاریخ تالیف به شرح زیر است:

یک. شرح دعاء السحر، ۱۳۰۷.

دو. التعلیقة على الفوائد الرضوية للقاضی سعید القمی، ۱۳۰۸.

سه. تعلیقات علی شرح فصوص الحکم ابن عربی و تعلیقات علی مصباح الانس فناری، ۱۳۱۵.

چهار. مصباح الهدایة الی الخلافة والولاية، ۱۳۱۷.

پنج. شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ۱۳۱۸.

شش. سرالصلوة (معراج السالکین و صلوة العارفین)، ۱۳۱۸.

هفت. آداب الصلوة، ۱۳۲۱.

هشت. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۲۳.

نُه. کشف الاسرار، ۱۳۲۳. (۱۴) پاسخ به شبهات کتاب اسرار هزارساله‌ی

نوشته‌ی علی‌اکبر حکمی‌نژاد، منتشره در سال ۱۳۲۲) این تنها کتاب غیرعرفانی آقای خمینی در این فاصله‌ی زمانی است که صبغهی سیاسی دینی دارد و در همان زمان منتشر شده است.

نگاهی به کارنامه‌ی تحصیلی، تدریسی و تالیفی آقای خمینی نشان می‌دهد

که ایشان تا سال ۱۳۲۳ با این‌که فقه و اصول هم خوانده اما اهل عرفان و فلسفه

است و مشتهر به همین دو رشته است. در تدریس و تالیف متوغل در عرفان و

فلسفه است و در تحصیل نیز کفهی سنگین‌تر با این دو رشته بوده است.



بحث دوم. دو محصل

مرتضی مطهری فریمانی (۱۲۵۸-۱۲۹۸) و حسین‌علی منتظری نجف‌آبادی (۱۳۰۱-۸۸) از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱ در قم با یک‌دیگر هم‌مباحثه و هم‌درس و هم‌زده‌اند. (۱۵) در این بحث فعالیت‌های تحصیلی این دو محصل شاخص حوزه‌ی علمیه‌ی قم تا سال ۱۳۲۳ بررسی می‌شود.

مطهری در سال ۱۳۱۰ تحصیل علوم دینی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد آغاز می‌کند و از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۱ در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تحصیل اشتغال داشته است. منتظری همان سالی متولد شده که آقای خمینی برای تحصیل وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌شود. وی تحصیل علوم دینی را از سال ۱۳۱۲ در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آغاز و در بهار ۱۳۲۰ به حوزه‌ی علمیه‌ی قم عزیمت نمود، و به کسوت روحانیت درآمد، در درس سطح جلد اول کفایه‌ی آقای سیدمحمد محقق یزدی مشهور به داماد (۱۲۸۶-۱۳۴۷) از اول بحث اوامر که شرکت‌کنندگان شش‌هفت نفر بودند، مطهری به او پیشنهاد مباحثه می‌کند. (۱۶) دوستی این دو طلبه‌ی فاضل تا آخر عمر ادامه می‌یابد و علاوه بر اصول فقه، به مباحثه در فقه و فلسفه نیز گسترش می‌یابد. (۱۷)

منتظری و مطهری به ترتیب در این درس‌های آقای خمینی شرکت کرده‌اند:
یک. درس اخلاق، از ۱۳۳۰.

دو. الهیات منظومه‌ی سبزواری، ۱۳۳۱. (۱۸)

سه. سفر نفس اسفار، از ۱۳۳۲. (۱۹)

این دو علاوه بر الهیات منظومه و سفر نفس اسفار، طبیعات منظومه و سفر اول اسفار را نیز با هم مباحثه کردند. (۲۰)

منتظری و مطهری دورادور نسبت به آقای سیدحسین بروجردی که در آن زمان در بروجرد به سر می‌بردند ارداتی خاص پیدا می‌کنند. مطهری در تابستان ۱۳۲۱ و منتظری در تابستان ۱۳۲۲ به بروجرد می‌روند تا با درس و مذاق ایشان آشنا شوند. (۲۱) هر دو در مباحث فقهی متمایل به آقای بروجردی بودند و در تکالیف شرعی بین فتاوی‌ای آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۲۵-۱۳۴۷) و آقای بروجردی احتیاط می‌کردند. (۲۲)

منتظری و مطهری در سال ۱۳۲۳ از طلاب فاضل اوایل مرحله‌ی خارج حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند که با پشتکار فراوان از یک سو در فقه و اصول و از سوی دیگر در علوم عقلی نزد بهترین اساتید تحصیل می‌کردند.

مطلب دوم. بروجردی، خمینی، منتظری و مطهری در سالهای

۱۳۲۳-۴۰

در این مطلب وضعیت حوزه‌ی علمیه‌ی قم در فاصله‌ی زمستان ۱۳۲۳ تا اوایل بهار ۱۳۴۰ ضمن سه مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حقیقت این دوره دوران هفده ساله‌ی زعامت عامه‌ی آقای بروجردی در قم است. این مطلب شامل سه مبحث به شرح زیر است:

- مرجعیت اعلای آقای بروجردی

- هجرت خمینی از حکمت و عرفان به فقه و اصول

- فعالیتهای علمی منتظری در قم و مهاجرت مطهری به تهران



بحث اول. مرجعیت اعلای آقای بروجردی

پس از درگذشت آقای حائری یزدی در ۱۵ بهمن ۱۳۱۵، زعامت حوزه‌ی علمیه‌ی قم به مدت هشت سال از ۱۳۱۵ با آیات ثلاثه آقایان سیدصدرالدین صدر (۱۲۶۱-۱۳۳۲)، سیدمحمدتقی خوانساری (۱۲۳۱-۱۲۶۷) و سیدمحمد حجت کوه‌کمری (۱۲۷۱-۱۳۳۱) بود. به دعوت جمعی از مدرسین از جمله آقای خمینی، آقای سیدحسین بروجردی (۱۲۴۰-۱۲۵۴) پس از ۲۶ سال اقامت در بروجرد در زمستان ۱۳۲۳ به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمدند. (۲۳) آقایان خمینی، گلپایگانی، و داماد در درس آقای بروجردی شرکت می‌کردند. (۲۴) منتظری و مطهری هم از ملتزمین دروس فقه و اصول آقای بروجردی شدند. آقای بروجردی شاگرد آخوند خراسانی در حوزه نجف بود و پایه‌گذار مکتب جدید فقهی در حوزه‌ی قم شد. بعد از وفات آقا سیدابوالحسن اصفهانی و آقا حسین قمی در سال ۱۳۲۵، آقای بروجردی به مرجع اعلای تشیع تبدیل شد، قدرتی بالاتر از قدرت سیاسی شاه که البته پرداختن به امور دینی را مهم‌تر از درگیرشدن در امور روزمره‌ی

سیاسی می‌دانست. آقای خمینی یکی از مشاوران سیاسی و نماینده‌ی عالی ایشان در تماس با مقامات مملکتی بود. (۲۵)

آقای بروجردی طی هفده سال در قم در فقه کتابهای اجاره (شامل غصب)، وصیت، صلوة، خمس و قضاء، و در اصول فقه از اول مباحث الفاظ تا اوایل برائت و احتیاط را تدریس کردند. (۲۶) دو درس فقه و اصول ایشان پررونق‌ترین دروس تا آن زمان در تاریخ حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. مرجعیت آقای بروجردی نه تنها در زمان وی بلکه حتی پس از وی فراگیرترین مرجعیت شیعه در یک قرن اخیر بوده است.

بحث دوم. هجرت خمینی از حکمت و عرفان به فقه و اصول

آقای خمینی از ۱۳۲۳ فعالیت تدریسی خود را در مرحله‌ی عالی علوم منقول شروع کرده فعالیت‌های فلسفی عرفانی را از ۱۳۲۸ به کلی ترک می‌کند، (۲۷) و از ۱۳۳۰ به یکی از مدرسین مطرح فقه و اصول حوزه‌ی علمیه‌ی قم بدل می‌شود. موضوع این مبحث تفحص در چرایی این تحول و بررسی فعالیت‌های تدریسی و تالیفی ایشان در فاصله‌ی زمانی ۱۳۲۳ تا ۱۳۴۰ است.

الف. خمینی مدرس اصول و فقه: پس از چندی چون درس‌های آقای

بروجردی عمومی و شلوغ بود، منتظری و مطهری به یک درس خصوصی که بتوانند در آن بحث آزاد داشته باشند احساس نیاز پیدا می‌کنند. آنها بعد از شرکت در درس اخلاق، منظومه و اسفار آقای خمینی از بیان ایشان خوششان می‌آید و به وی اصرار می‌کنند که یک درس اصول شروع کند. این درس دو نفره خارج علم اصول فقه از ابتدای جلد دوم کفایه تا آخر آن بود، که هفت سال به طول انجامید. تعداد طلاب درس به تدریج بیشتر شد و در اواخر دوره به هشت نفر رسید: علاوه بر دو طلبه‌ی مؤسس درس، اسدالله نوراللهی، عبدالحمید شریبانی تبریزی، جعفر سبحانی، علی کاشانی، علی اصغر شاهرودی (بعد از مدتی به نجف رفت)، و سیدمحمد بهشتی (قسمتی از استصحاب را آمد). افراد باورشان نمی‌شد که آقای خمینی درس اصول بگوید. می‌گفتند ایشان در فلسفه واردند نه فقه و اصول. اما

مطهری معتقد بود که درس حاج آقا روح‌الله در حوزه جا باز می‌کند. چون هم خوش فکر است هم خوش بیان. (۲۸) آقای منتظری از اواسط این درس به فکر نوشتن تقریرات آن می‌افتد؛ مباحث استصحاب و تعادل و تراجیح. تاریخ اتمام نگارش این تقریرات اردیبهشت ۱۳۳۰ است. (۲۹) از این دوره تقریرات دیگری تا کنون منتشر نشده است، اما تعلیقات آقای خمینی بر جلد دوم کفایه متعلق به همین دوره است که متعاقبا خواهد آمد.

درباره جایگاه علمی منتظری در این درس این گزارش از یکی از شاهدان عینی آن شنیدنی است. آقای سیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی مقرر درس اصول آقای سیدمحمد محقق داماد: «من حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری را در اولین برخورد علمی در درس اصول امام [خمینی] مدّظله‌العالی در حجره‌ی علامه‌ی شهید آیت‌الله مطهری در مدرسه‌ی فیضیه برخورد کردم، و خوب یادم هست که در این درس اصول تقریبا حالت بحث داشت، و به‌خصوص در بحث اقلّ و اکثر که من خیلی به این بحث عشق داشتم، چون قبلا هم درس استاد [سیدمحمد] محقق داماد را دیده بودم، عشق داشتم که نظر امام [خمینی] را بفهمم. لذا به این مباحثه رفتم و خیلی دقیق بودم که بینم نتیجه‌ی این بحث چه می‌شود. در آنجا من به‌تبحر آیت‌الله‌العظمی منتظری پی بردم. اشکالهایی می‌کردند که جای تامل بود. پیدا بود این اشکال از بینش محققانه‌ای برخاسته و خود امام [خمینی] شدیداً به اشکالاتی که ایشان می‌کردند نظر داشتند، و گاهی هم اشکالشان در جلسه - اگر چه جواب داده می‌شد - ولی در حقیقت نیاز داشت به اینکه جواب بعدی داده شود، و لذا روز بعد گاهی امام [خمینی] به اشکال روز قبل ایشان اشاره می‌فرمودند. منظور اینکه صحبت‌های ایشان در این حد از دقت نظر و تبحر ایشان در دانش و علم چیزی نبود که بشود سرسری گرفت و بدون تدبیر و تامل از کنارش گذشت.» (۳۰) طول این درس که نیمه‌ی دوم علم اصول بوده، معادل طول دوره‌ی دوم همین درس توسط همین مدرس بود که تمام علم اصول تدریس شد.

در همین سال ۱۳۳۰ آقای خمینی نخستین درس خارج فقه خود را شروع

می‌کند: کتاب زکات که بیش از دو ماه به طول نمی‌انجامد. شاگردان این درس پنج شش نفر بودند از جمله منتظری، مطهری، سیدموسی صدر و علی احمدی میانجی. تقریرات این درس به قلم آقای منتظری نگاشته شده است. (۳۱)

این دو درس خصوصی که به همت منتظری و مطهری شکل گرفت، پایه‌ی هجرت آقای خمینی از فلسفه و عرفان به اصول فقه و سپس فقه شد. چه شد که آقای خمینی طی سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ تدریس فلسفه را به کلی کنار نهاد و یک‌سره به فقه و اصول روی آورد؟ می‌توان حدس زد که وی برای تغییرات عمیق سیاسی اجتماعی که در سر داشته فقه و اصول را محمل مناسب و حکمت و عرفان را سدّ راه یافته، از این فاصله گرفته و به آن دیگر اقبال نموده است. به نظر می‌رسد دعوت از آقای بروجردی به قم نیز در سلسله‌ی همین تغییر مثنی آقای خمینی قابل مطالعه است. تلنگرهایی که در زمان نگارش کشف‌الاسرار به ذهن وی خورده نیز قابل توجه است. تذکرات سیاسی اجتماعی میرزا محمدعلی شاه‌آبادی نیز می‌توانسته مؤثر باشد. اما نقش منتظری و مطهری در این تغییر مثنی آقای خمینی از حکمت و عرفان به فقه و اصول چقدر بوده است؟ تردیدی در تاثیر دعوت ایشان از این مدرس مستعد به تدریس اصول در تغییر روحيات وی نیست، اما اطلاع از میزان این تاثیر نیازمند تحقیق گسترده‌تری است که مجال دیگر می‌طلبد. هرچه هست آقای خمینی در این پنج سال (۲۸-۱۳۲۴) برنامه‌ای دراز مدت در ذهن خود طراحی کرده و به تدریج آن را به مرحله‌ی اجرا گذاشته است. منتظری و مطهری دانسته یا ندانسته نقش مهمی در این تغییر مثنی ایفا کرده‌اند. آنها جرعه را به خرمن زدند، اما بعد از ۱۳۳۰ دیگر درسی با آقای خمینی نداشتند.

آقای خمینی در سال ۱۳۳۰ تدریس خارج اصول خود را از اول کفایه از سر گرفت. تعداد طلاب این دوره چندین برابر دوره‌ی اول رسید. این مباحث هم هفت سال به طول انجامید. (۳۲) دوره‌ی سوم خارج اصول ایشان از مهر ۱۳۳۷ آغاز شد و با بیش از یک‌صد و پنجاه نفر شاگرد به دلیل تبعید ایشان به ترکیه ناتمام ماند. (۳۳)

آقای خمینی در دهه‌ی سی تدریس خارج فقه را نیز با کتاب طهارت (۳۴) و سپس مکاسب محرمة پی گرفت. درس اصول ایشان در زمرة‌ی پنج درس اول و درس فقه ایشان در زمرة‌ی ده درس اول حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. (۳۵)

ب. خمینی مولف کتب اصولی فقهی: در این مقطع زمانی هفده ساله (۱۲۴۰-۱۲۲۳) هیچ کتاب عرفانی یا فلسفی به قلم آقای خمینی نوشته نشده است. اما وی در این دوره کارنامه‌ای پر بار در فقه و اصول دارد، پنج کتاب اصولی، و سه کتاب فقهی که برخی از آنها بیش از یک مجلد است. از این کتابها تنها تعلیقة بر وسیلة و عروة و دو جلد نخستین طهارت در این مقطع زمانی چاپ شده، مکاسب محرمة و الرسائل در نیمه‌اول دهه چهل منتشر شده و بقیه پس از انقلاب به‌زیر طبع آراسته شده است. این کتب به ترتیب تاریخ تالیف به شرح زیرند:

- اول. آثار اصولی:

تالیفات اصولی آقای خمینی که یک دوره‌ی کامل اصول فقه را شامل می‌شود تماماً متعلق به همین دوره است و شامل سه قسمت می‌گردد:

یک. تعلیقات بر مباحث عقلیه و اصول عملیه‌ی کفایه تا آخر بحث اشتغال، تیر ۱۲۲۸. (۳۶)

دو. رساله‌های اصولی: بدایع الدرر فی قاعدة لاضرر، اسفند ۱۲۲۸. الاجتهاد و التفلید، الاستصحاب، و التعادل والتراجیح، هر سه رساله‌ی اخیر در سال ۱۳۳۰. (۳۷) رساله الطلب والارادة، ۱۳۳۱، و رساله التقیة، فروردین ۱۳۳۳. (۳۸)

سه. آراء اصولی ایشان درباره‌ی مباحث الفاظ نیز در تیر ۱۳۳۳ نوشته شده است. (۳۹)

- دوم. آثار فقهی:

یک. حاشیه علی وسیلة النجاة آقا سید ابوالحسن اصفهانی، ۱۳۳۲.

دو. حاشیه علی العروة الوثقی آقا سید محمد کاظم یزدی، ۱۳۳۵. (۴۰)

سه. کتاب الطهارة، جلد اول: الدماء الثلاثة، آبان ۱۳۳۵، جلد دوم: التیمم، اسفند ۱۳۳۵. این دو جلد در سال ۱۳۳۶ در قم منتشر شده است. جلد سوم:

النجاسات، خرداد ۱۳۳۷ . انتشار جلد سوم: نجف، ۱۳۴۹.
چهار. کتاب المکاسب المحرمة، دو جلد، آذر ۱۳۳۹. انتشار ۱۳۴۱.
آقای خمینی چنان در تدریس و تالیف فقهی اصولی وارد می‌شود و با چنان
شدتی تالیف و تدریس فلسفی عرفانی را ترک می‌کند، گویی از ابتدا فقیهی
اصولی بوده و سابقه‌ای در عرفان و فلسفه نداشته است! به نظر می‌رسد برنامه‌ی
تدریسی تالیفی ایشان در خدمت طرح درازمدت و عمیق سیاسی اجتماعی وی
بوده است.



بحث سوم. فعالیتهای علمی منتظری در قم و مهاجرت مطهری به

تهران

فعالیت‌های علمی منتظری و مطهری در مقطع زمانی ۱۳۴۰-۱۳۳۳ به دو بخش قابل تقسیم است:

الف. تحصیل در سالهای ۱۳۳۱-۱۳۳۳: در این دوره‌ی هشت ساله آنها

مرحله‌ی خارج تحصیل خود را از محضر سه استاد بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی قم پیگیری می‌کنند: اولاً در دروس فقه و اصول آقای بروجردی با جدیت شرکت می‌کردند. ثانیاً استعداد آقای خمینی را در منقول کشف کردند و نخستین دروس اصول و فقه وی را سامان دادند، که تفصیل این دو گذشت. علاوه بر این که درس اسفار ایشان را ادامه می‌دادند. (۴۱) ثالثاً در شبهای پنجشنبه و جمعه در جلسه بحث فلسفی آقای سیدمحمدحسین طباطبایی شرکت می‌کردند. بحث‌هایی که بعداً پایه‌ی کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم شد و حدود ده سال برقرار بود، شش هفت نفر در آن شرکت داشتند، از جمله: جعفر سبحانی، ابراهیم امینی، و سیدمحمد بهشتی. (۴۲)

هر دو علاوه بر تحصیل به تدریس طلاب نیز اشتغال داشتند. موضوع تدریس‌های ایشان مقدمات، منطق، کلام، معالم و شرح لمعه بوده و هر دو مدرسانی موفق و دروس پررونقی داشته‌اند.

به دلیل مشکل معیشت در سال ۱۳۳۱ مرتضی مطهری به تهران مهاجرت کرد. (۴۳)

ب. سالهای ۱۳۴۰-۱۳۳۱: مطهری در تهران به تدریس در مدرسه مروی و

تألیف و سخنرانی‌های تحقیقی می‌پردازد. در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر انجمن اسلامی دانشجویان توسط مطهری تشکیل می‌گردد. در همان سال تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را آغاز می‌کند. در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ که انجمن اسلامی پزشکان تشکیل می‌شود مطهری از سخنرانان اصلی این انجمن است. (۴۴)

آقای منتظری در این دوره علاوه بر حضور در درس آقای بروجردی خود مدرس سطح عالی فقه (مکاسب) و اصول (رسائل و کفایه) و فلسفه (منظومه، اشارات،

اسفار) در حوزه‌ی علمیه‌ی قم است. هر سه درس او از پررونق‌ترین و شاخص‌ترین دروس قم بوده است. برای فهم بهتر مقام علمی آقای منتظری در این مقطع تذکر دو نکته لازم است:

اول. یکی از ابتکارات آقای بروجردی جانداختن امتحان برای گرفتن شهریه بود. سه دوره امتحان برای طلاب اجباری شد: سطح مقدماتی (شرح لمعه)، سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه)، و خارج. ممتحنین درس خارج - عالی‌ترین مرحله‌ی دروس حوزوی - را آقای بروجردی شخصا منصوب می‌کرد. مواد امتحانی این مرحله‌ی عالی امتحان شفاهی از سطح مکاسب در فقه و کفایه در اصول و نگارش یک روز درس خارج در سر جلسه امتحان بود. پنج ممتحن منصوب آقای بروجردی عبارت بودند از: آقایان حسین‌علی منتظری نجف‌آبادی، علی صافی گلپایگانی، عبدالجواد جبل‌عاملی، محمد فکور یزدی، و رضا سیدصفی (بهاء‌الدینی) (۴۵) یکی از کسانی که نزد این هیأت امتحان داده آقای عبدالله جوادی آملی است. (۴۶)

دوم. آقا سیدمصطفی خمینی معتقد بود آقای منتظری در معقول از آقای مطهری دقیق‌تر است. (۴۷) دروس اول فلسفه‌ی قم در آن زمان دو درس بود. درس اسفار آقای طباطبایی که حدود سیصد نفر در آن شرکت می‌کردند، و درس منظومه‌ی آقای منتظری. این درس در مسجد امام حسن عسکری (ع) برگزار می‌شد و چهار صد نفر در آن شرکت می‌کردند. وی چند مرتبه منظومه‌ی سبزواری و مقدار زیادی از اسفار ملاصدرا را تدریس کرده است. با فشار آقای میرزا مهدی اصفهانی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد بر آقای بروجردی دروس عمومی حکمت متعالیه در حوزه‌ی قم یعنی اسفار و منظومه تعطیل شد، در سال بعد آقای طباطبایی به‌جای اسفار الهیات شفا و آقای منتظری به‌جای منظومه اشارات تدریس کردند. (۴۸) یعنی فلسفه‌ی ابن سینا به اندازه فلسفه‌ی ملاصدرا مطرود نبود! آقای خمینی در آن زمان تدریس فلسفه را تعطیل کرده بود و در فشار حکمت‌ستیزان مشهد برای تعطیل فلسفه در قم نیز ظاهرا ساکت بود. یکی از

شاگردان دروس اشارات و اسفار آقای منتظری در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۳۰ آقای سیدعلی خامنه‌ای بوده است. (۴۹)

علاوه بر تدریس، مطهری و منتظری از تالیف هم غافل نبودند. فهرست تألیفات آقای مطهری تا سال ۱۳۴۰ به شرح زیر است:

یک. پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد اول، مقالات اول تا چهارم: فلسفه چیست؟ فلسفه و سفسطه، علم و ادراک، و ارزش معلومات، اسفند ۱۳۳۳.

دو. پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد دوم، مقالات پنجم و ششم: پیدایش کثرت در ادراکات، و ادراکات اعتباری، اسفند ۱۳۳۳.

سه. پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد سوم، مقالات هفتم تا نهم: واقعیت و هستی اشیا، ضرورت و امکان، و علت و معلول، تیر ۱۳۳۵.

چهار. حکمت‌ها و پندها، جلد دوم: ۳۴-۱۳۳۱، انتشار: ۱۳۷۲. (۵۰)

پنج. بیست گفتار، سخنرانی‌های سالهای ۴۱-۱۳۳۵.

شش. مقالات فلسفی، ۱۳۳۸-۱۳۴۰.

هفت. داستان راستان، جلد اول، تیر ۱۳۳۹. (۵۱)

فهرست تالیفات آقای منتظری تا سال ۱۳۴۰ به ترتیب تاریخ تالیف به شرح زیر است:

یک. کتاب الاجارة، تقریر دروس آقای بروجردی، ۱۳۲۴.

دو. کتاب الغصب، تقریر دروس آقای بروجردی، ۱۳۲۴.

سه. کتاب الوصایا، تقریر دروس آقای بروجردی، ۱۳۲۵. (۵۲)

چهار. نهاية‌الاصول، جلد اول، تقریرات دروس اصول آقای بروجردی، آبان ۱۳۲۷،

تاریخ انتشار: ۱۳۳۴.

پنج. البدرالزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر، تقریرات دروس آقای بروجردی،

بهمن ۱۳۲۸، تاریخ انتشار: بهمن ۱۳۳۷.

شش. مناظره مسلمان و بهایی، بهمن ۱۳۲۹، و دو نامه‌ی تحلیلی مرتبط با آن

مورخ فروردین ۱۳۳۰. (۵۳)

هفت. محاضرات فی الاصول، تقریر دروس آقای خمینی، اردیبهشت ۱۳۳۰، انتشار ۱۳۸۸.

هشت. کتاب الزکاة، تقریر دروس آقای خمینی، ۱۳۳۰. نُه. نهاية الاصول، جلد دوم، تقریرات دروس اصول آقای بروجردی، ۳۰-۱۳۲۷، انتشار ۱۳۷۳.

ده. کتاب الصلوة، تقریر دروس آقای بروجردی، اسفند ۱۳۳۶، انتشار ۱۳۸۸. از این تقریرات جلد اول نهاية الاصول و البدر الزاهر در زمان حیات آقای بروجردی و با اجازه‌ی ایشان منتشر شد. این نخستین تقریرات دروس آقای بروجردی در فقه و اصول بود که منتشر می‌شد. انتشار این دو کتاب افتخار بزرگی برای آقای منتظری بود. ایشان در سال ۱۳۳۴ از آقای بروجردی و در سال ۱۳۳۹ از آقایان سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی و سید محمود حسینی شاهرودی اجازه‌ی اخذ وجوهات شرعیّه و تصدی امور حسیّه کسب کرد. (۵۴) منتظری در آستانه‌ی چهل سالگی مجتهدی جوان و مدرس مشهور سطوح عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده است.

مبحث دوم. مجاهدتهای سیاسی و زمزمه‌ی مرجعیت

در این مبحث فعالیت‌های آقایان خمینی و منتظری از فروردین ۱۳۴۰ تا آبان ۱۳۴۳ بررسی قرار می‌گیرد. فروردین ۴۰ زمان درگذشت آقا بروجردی و آبان ۴۳ تاریخ تبعید آقای خمینی است. این چهار سال، سالهای پرکاری برای آقای خمینی بوده است. ایشان در این دوره به مهمترین چهره‌ی مخالف سیاسی ایران تبدیل شد. در این زمان زمزمه‌ی مرجعیت ایشان نیز میان شاگردانش به‌گوش می‌رسد. مفاد این مبحث طی دو مطلب به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- مرجعیت آقای خمینی؟

مطلب اول. مرجعیت آقای خمینی؟

در این مطلب به دو بحث پرداخته می‌شود. یکی زمینه‌ی حوزوی مرجعیت تقلید شیعه پس از آقای بروجردی و دیگری رخدادهای سیاسی چهار سال پس از آن که در زمزمه‌ی مرجعیت آقای خمینی مؤثر بوده است.

بحث اول. مرجعیت پس از آقای بروجردی

آقای سیدحسین بروجردی مرجع اعلای شیعه در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ دار فانی را وداع کرد. (۵۵) در نجف آقای حکیم مرجع نخست بود و آقایان خویی پس از ایشان مطرح بود. در میان مراجع قم آقای شریعتمداری مقلد بیشتری داشت و سپس آقای گلپایگانی مطرح بود. برخی مردم نیز از آقایان سیدعبدالهادی شیرازی، سیداحمد خوانساری، سیدهادی میلانی و سیدحسن قمی تقلید می‌کردند. (۵۶) در روز هفتم وفات آقای بروجردی جلسه‌ی علما در منزل مرجع فقید تشکیل شد. آقای سیدمحمد بهبهانی از فقهای در مظان مرجعیت دعوت کرد؛ آقایان سیدکاظم شریعتمداری، سیدمحمدرضا گلپایگانی، سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، سیدروح‌الله موسوی خمینی، سیدمحمد محقق داماد، سید احمد حسینی زنجانی، شیخ مرتضی حائری یزدی، مرتضی حسینی لنگرودی، سیدمحمدباقر سلطانی، و فاضل قفقازی در این جلسه شرکت داشتند. پس از مباحث مقدماتی بحث بر تقبل هزینه‌ی شهریه‌ی طلاب متمرکز می‌شود. ابتدا آقای شریعتمداری نصف هزینه‌ی شهریه را تقبل می‌کند. آقای گلپایگانی نصف دیگر و آقای مرعشی نجفی هم هزینه‌ی نان حوزه را تقبل می‌کند. بدین ترتیب آقایان ثلاثه به‌عنوان سرپرستان حوزه‌ی علمیه‌ی قم معرفی می‌شوند. (۵۷)

آقای خمینی در آن زمان مقلدی نداشت، و در میان مردم ناشناخته بود. (۵۸) البته یکی از درسهای پررونق اصول در قم به او تعلق داشت (۵۹) و برخی خواص

به‌وی متماایل بودند. (۶۰) حاشیه بر العروة الوثقی و نجاه‌العباد به عنوان رساله‌ی عملیه‌ی فارسی وی آماده بودند، اما منتشر نشده بودند. وی نیز تلاشی برای مرجعیت نمی‌کرد. در صلاحیت نسبی آقای خمینی برای مرجعیت در مقام ثبوت در مقایسه با هم‌گنان به شهادت شاگردان فاضل و تالیفات تردیدی نیست. اما کسب مرجعیت به لحاظ مقام اثبات و اقبال به آقای خمینی در حوزه‌ی تقلید با موضع‌گیری‌های جسورانه و انتقادهای تند ایشان از رژیم شاهنشاهی در چند جریان پی‌درپی حاصل شد. (۶۱) در حقیقت شناخت مردم از ایشان با این موضع‌گیرهای سیاسی حاصل شد و بحث مرجعیت به مساعدت سیاست انقلابی آغاز شد.

بحث دوم. مبارزات سالهای ۴۱ تا ۴۳

الف. مبارزات سال ۱۳۴۱: لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی که به‌موجب آن

شرط «مسلمان بودن، سوگند به قرآن کریم و مرد بودن انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان» تغییر می‌یافت، در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ به تصویب کابینه اسدالله علم رسیده بود. به دنبال اعتراض قاطبه‌ی مراجع تقلید (۶۲) و تندتر از همه آقای خمینی (۶۳) این مصوبه در ۷ آذر ۱۳۴۱ لغو شد. این پیروزی مراجع بر دولت بود. اما در مرحله بعدی مبارزه مرجعیت با شاه و آمریکا بود. شاه در دی‌ماه ۱۳۴۱ اصول شش‌گانه‌ی انقلاب سفید را اعلام کرد، از جمله اصلاحات ارضی و حق رای به زنان. آقای خمینی در پیام ۲ بهمن ۱۳۴۱ خود به‌شدت با اصل فرماندم (و نه لزوماً اصول شش‌گانه) مخالفت کرد. (۶۴) رژیم فرماندمی فرمایشی در ۶ بهمن برگزار کرد. بار دیگر مراجع و علما اعتراض کردند (۶۵). در آن زمان محور آقای خمینی بود، بعد آقای شریعتمداری. (۶۶)

ب. مبارزات سال ۱۳۴۲: آقای خمینی در نوروز ۱۳۴۲ اعلام عزای عمومی

کرد و انقلاب سفید شاه را انقلاب سیاه تعبیر و شاه را متهم به زیرپا گذاشتن احکام اسلام و همسویی با اهداف آمریکا و اسرائیل کرد. (۶۷) روز دوم فروردین ۱۳۴۲

مصادف با شهادت امام جعفر صادق مأمورین مسلح رژیم به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز یورش بردند و به ضرب و جرح طلاب پرداختند. در پی این حوادث، آقای خمینی در ۱۳ فروردین آن سال اعلامیه معروف خود با عنوان «شاه دوستی یعنی غارتگری» را منتشر کرد. وی در آن با به محاکمه کشیدن رژیم شاه تأکید می‌کند: در این شرایط تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب ولو بلغ ما بلغ. (۶۸) آقای خمینی در سخنرانی تاریخی عصر عاشورا ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ مدرسه فیضیه خود شاه و اسرائیل را اساس گرفتاریها دانست و شاه را بدبخت و بیچاره خطاب کرد و به او نصیحت کرد که بر سر عقل بیاید. (۶۹) در شیراز شیخ بهاءالدین محلاتی و در مشهد سیدحسن طباطبائی قمی محور مستقل اعتراض بودند. منبرهای آقای قمی از آقای خمینی هم داغ‌تر بود. (۷۰) حدود شصت نفر از علما را در تمام کشور بازداشت شدند، شاخص‌ترین علمای بازداشتی آقایان خمینی در قم، شیخ بهاءالدین محلاتی در شیراز و سیدحسن طباطبائی قمی در مشهد بودند. (۷۱)

به دنبال انتشار خبر بازداشت آقایان خمینی، محلاتی، قمی و دیگر روحانیون از نخستین ساعات روز ۱۵ خرداد، اعتراضات گسترده‌ای در قم، تهران، ورامین، مشهد و شیراز با شعارهایی بر ضد شاه و در طرفداری از روحانیت معترض برگزار شد. مأموران نظامی در شهرهای قم و تهران به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. شاه قیام مردم را بلوا و اقدامی وحشیانه، و نتیجه اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه نامید و سعی کرد تا آن را به خارج از مرزها نسبت دهد. (۷۲) اقدامات شاه با اعتراض برخی مراجع مواجه شد. یکی از شفاف‌ترین بیانیه‌های اعتراضی از سوی آقای شریعتمداری در دفاع از اهداف علمای زندانی صادر شد. (۷۳) برای رهایی روحانیون زندانی سه نفر از مراجع و بیش از پنجاه نفر از علمای شهرستانها به تهران مهاجرت کردند. (۷۴)

«چون صحبت بود که می‌خواهند آیت‌الله خمینی را محاکمه کنند و مطابق قانون اساسی آن زمان مرجع تقلید را نمی‌توانستند محاکمه کنند، لذا بر حسب آنچه

گفته شد حضرات آیات آقای شریعتمداری، آقای میلانی، آقای مرعشی نجفی و آقای حاج شیخ محمدتقی آملی یک چیزی نوشتند و آیت‌الله آقای خمینی را به عنوان مرجع معرفی کردند تا از اعدام ایشان پیشگیری کنند.» (۷۵) علاوه بر آن آقای شریعتمداری اعلامیه‌ی مستقلی نیز همین زمینه صادر کرد:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج آقا روح‌الله خمینی دامت برکاته از مفاخر عالم اسلام و یکی از مراجع محترم تقلید می‌باشند و شخصیت دینی ایشان نباید از کسی مخفی باشد. از خداوند متعال استخلاص معظم‌له و ظفر و غلبه‌ی اسلام را خواستارم.» (۷۶) واضح است که دو اعلامیه‌ی فوق از سر اضطرار برای نجات جان آقای خمینی صادر شده است، و اتفاقاً در استخلاص ایشان مؤثر افتاد. به‌هر حال رژیم در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ آقایان خمینی، محلاتی و قمی را از بازداشتگاه ابتدا به منزلهایی تحت محاصره نیروهای امنیتی در تهران منتقل کرد و بتدریج آنها را تا ۱۶ فروردین ۱۳۴۳ آزاد کرد. (۷۷)

ج. مبارزات سال ۱۳۴۲: به دنبال لایحه‌ی احیای رژیم کاپیتولاسیون (مصونیت

سیاسی و کنسولی اتباع امریکایی در ایران) به تصویب مجلس سنا ۳ مرداد ۱۳۴۳ و مجلس شورای ملی ۲۱ مهر ۱۳۴۳، آقای خمینی روز چهارم آبان (روز تولد شاه) را به عنوان روز افشاگری انتخاب کرد و طی سخنرانی مهمی در مدرسه‌ی فیضیه دخالت‌های غیرقانونی هیأت حاکمه امریکا در ایران و خیانت‌های شاه را افشا کرد. (۷۸) آقایان شریعتمداری و مرعشی نجفی هم به نرمی اعتراض کردند. (۷۹) آقای خمینی در سحرگاه ۱۳ آبان در منزلش بازداشت و مستقیم از طریق فرودگاه مهرآباد به ترکیه تبعید شد. ایشان ابتدا در آنکارا و در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۴۳ به بورسای ترکیه منتقل شد. یک سال بعد ۱۳ مهر ۱۳۴۴ ایشان و پسرش سیدمصطفی به عراق تبعید شدند، (۸۰) با این تصور که وضعیت خاص سیاسی عراق و حوزه‌ی نجف مانع فعالیت‌های سیاسی و دینی آقای خمینی خواهد شد. (۸۱) وی در این زمان جلد اول تحریرالوسیلة را به‌رشته‌ی تحریر در آورد. به‌هر حال در سال ۱۳۴۴ حتی بعد از این مبارزات شجاعانه، آقای خمینی اگرچه شاخص‌ترین

روحانی معترض رژیم شاه (۸۲) و مشهورترین مجتهد سیاسی شیعه شناخته می‌شد، اما به دشواری در زمره‌ی یکی از ده چهره‌ی نخست مرجعیت تقلید شیعه به حساب می‌آمد. اما به هر حال مرجعیت ایشان در آن حوالی آغاز شده بود. لازم به ذکر است که آقای خمینی بعد از مکاسب محرمة تدریس کتاب بیع را در حوزه‌ی قم از آبان ۱۳۳۹ آغاز کرده بود و درس ایشان در آبان ۱۳۴۳ در اواسط بحث بیع فضولی به دلیل تبعید متوقف شد. (۸۲)

مطلب دوم. نقش آقای منتظری

در این مطلب نقش آقای منتظری در مطرح کردن مرجعیت آقای خمینی از فروردین ۱۳۴۰ تا آبان ۱۳۴۳ طی سه بحث به شرح زیر تحلیل می‌شود:

بحث اول. ابتدای مرجعیت

در نخستین شب بعد از وفات آقای بروجری که بیوت علمایی از قبیل آقایان شریعتمداری و گلپایگانی پررفت و آمد بود، در بیت آقای خمینی یک نفر بیشتر نبود، حسین‌علی منتظری! استاد و شاگرد با هم درد دل می‌کردند. (۸۴) آقای منتظری در انتشار رساله‌ی توضیح المسائل فارسی و حواشی عروه‌ی آقای خمینی و پرداخت مرتب شهریه به نام آقای خمینی نقش جدی داشت. (۸۵)

بحث دوم. سازمان دهی علمای مهاجر

در مبارزات سالهای ۴۲-۱۳۴۱ نقش عمده را مراجع داشتند و مدرسین و فضلاء حوزه هم با آنها همراهی می‌کردند و رابط مراجع با شهرستانها و طلاب بودند. (۸۶) یکی از هماهنگ‌کنندگان اصلی برای پیگیری مسائل در نزد مراجع آقای منتظری بود. هسته‌ی اصل جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم در حوالی مبارزات پائیز ۱۳۴۱ شکل گرفت. منتظری، عبدالرحیم ربانی شیرازی، احمد آذری قمی، و اکبر هاشمی رفسنجانی از بقیه فعال‌تر بودند. (۸۷)

در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آقای منتظری در نجف‌آباد بوده است. به مجردی که از بازداشت آقایان خمینی، محلاتی، قمی و دیگر روحانیون مطلع می‌شود تحصنی اعتراضی را در مسجد جامع نجف‌آباد تدارک می‌بیند که با استقبال شدید مردم مواجه می‌شود و هفت شبانه‌روز به‌طول می‌انجامد. حضور وی در میان مردم مانع از بازداشت وی همراه با هم‌زمانش می‌شود. (۸۸)

در آستانه‌ی چهل‌م شهدای قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ منتظری به‌همراه ابراهیم امینی زودتر از دیگران از نجف‌آباد روانه‌ی تهران می‌شوند. (۸۹) در تجمع علمای مهاجر، منتظری برای صدور بیانیه‌های مشترک نقش محوری دارد. (۹۰) تلگرافی با ۳۳ امضا از شاخص‌ترین فضلاء کشور خطاب به آقای خمینی با رونوشت به آقایان محلاتی و قمی به تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۴۲ ارسال می‌شود. (۹۱) خطاب تلگراف با «آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی مرجع عالیقدر تقلید» با اعتراض یکی از آقایان مواجه می‌شود: «ایشان که مرجع تقلید نیست، چه کسی از ایشان تقلید می‌کند؟» منتظری پاسخ می‌دهد: «من! من از ایشان تقلید می‌کنم!» (۹۲) بعد از گرفتن امضا او برای چند ساعت بازداشت می‌شود.

پس از آزادی آقای خمینی و انتقال به حصر چند ماهه در تهران در نخستین ساعات خود را به استاد مجاهدش می‌رساند. (۹۳) در پخش اعلامیه‌ی آقای خمینی فرزندش محمد منتظری فعالانه اقدام می‌کند و از جان مایه می‌گذاشت. پس از تحریم انتخابات مجلس از سوی علمای اصفهان از جمله آقای منتظری ایشان ممنوع‌المنبر شد.

منتظری یقیناً در آن زمان در تکالیف شرعی از کسی تقلید نمی‌کرد. اما برای ترویج استادش آقای خمینی در جمع مراجع و فضلاء ایثار کرد. او نیز همانند آقایان شریعتمداری، میلانی، مرعشی نجفی و محمدتقی آملی در آن شرایط اضطراری که جان مجتهد مجاهدی در خطر قطعی بود به وظیفه‌ی شرعی خود عمل کردند. تا آبان ۱۳۴۳ به‌غیر از همین سه مورد هیچ مدرکی دال بر مرجعیت بالفعل آقای خمینی در دست نیست. در زمزمه‌ی مرجعیت آقای خمینی در همین زمان منتظری

نقش اول را دارد. مرجعیت آقای خمینی به شکل جدی در خرداد ۱۳۴۹ در زمان وفات آقای حکیم و البته باز توسط آقای منتظری مطرح می‌شود. تفصیل بحث در مبحث چهارم خواهد آمد.

بحث سوم. فعالیت‌های علمی

در زمان وفات آقای بروجردی آقای منتظری به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال داشت و هر دو درس از پررونق‌ترین دروس حوزه‌ی قم بود. پس از درگذشت استاد، ایشان تدریس خارج فقه را از کتاب صوم آغاز کرد. (۹۴)

با تبعید آقای خمینی در آبان ۱۳۴۳ بار اصلی مبارزه در داخل کشور چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ عملی و مبارزاتی بر دوش آقای منتظری قرار می‌گیرد، که موضوع دو مبحث بعدی است.

پایان مبحث دوم

اول دی ۱۳۹۴

یادداشت‌ها:

- * سه فصل نخست به ترتیب در تاریخ‌های زیر منتشر شده است: ۲ شهریور، ۱ آبان و ۱۰ آذر ۱۳۹۴.
- (۱) مجموعه مقررات و اطلاعات مربوط به مجلس خبرگان، دوره اول، ۱۳۶۴، ص ۲۸ و ۴۲.
- (۲) مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، دوره اول، اجلاس‌یهی سوم و فوق‌العاده، تیر و آبان ۱۳۶۴، جلسه‌ی سوم: ۱۹ آبان ۱۳۶۴، ص ۵۷۲ و ۵۸۶.
- (۳) اطلاعات تاریخی در مورد آقای خمینی در این مطلب برگرفته از منبع ذیل است: پرتال پژوهشی و اطلاع‌رسانی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صفحه‌ی زندگی‌نامه، بخش دوران تحصیل امام. (تاریخ مراجعه ۲۸ آذر ۱۳۹۴)
- (۴) اساتید وی در علوم منقول: آقایان میرزا محمود افتخار العلماء، میرزا رضا نجفی خمینی، شیخ علی‌محمد بروجردی، شیخ محمد گلپایگانی، عباس اراکی و سیدمرتضی پسندیده و در علوم معقول: آقایان سیدابوالحسن رفیعی‌قزوینی، میرزا علی اکبر حکمی

یزدی و شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی (پیشین).

(۵) «اینجانب در زمانی که ساکن مدرسه دارالشفا بودم، مدتها فلسفه تدریس می‌کردم، و در سنه ۱۳۴۸ (ق) به واسطه‌ی تاهل از مدرسه خارج شدم.» تذکر کتبی آقای خمینی به سیدحمید روحانی زیارتی، نهضت امام خمینی، ج ۱ ص ۵۵. در این کتاب زمان آغاز تدریس ایشان سالهای ۱۳۴۶ یا ۱۳۴۷ قمری (۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸) نوشته شده است.

(۶) مقدمه تحقیق تقریرات فلسفه امام خمینی، سیدعبدالغنی اردبیلی، ج ۱، ص دوازده.

(۷) خاطرات آیت‌الله منتظری، جلد اول، ص ۹۱.

(۸) نام ۲۱ نفر از شاگردان علوم عقلی آقای خمینی در مقدمه تحقیق تقریرات فلسفه ایشان آمده است: ص پانزده و شانزده.

(۹) خاطرات آیت‌الله منتظری، جلد اول، ص ۹۰-۸۹. آقای خمینی: «درس خصوصی منازل السائزین را به نحو عوام فهم توسعه دادم.» (سیدحمید روحانی زیارتی، نهضت امام خمینی، ج ۱ ص ۵۶)

(۱۰) حسن صافی اصفهانی نزد ایشان رسائل می خوانده است. آقای خمینی در مبحثی از رسائل گفت: «این مبحث را که اکنون برای شما ندریس می کنم، نه خوانده‌ام و نه مباحثه کرده‌ام!» با وجود این با چنانم احاطه و مهارتی برای ما شرح و توضیح دادند که مایه‌ی شگفتی ما بود. (سیدحمید روحانی زیارتی، نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۸)

(۱۱) «از زمان مرحوم حائری تا ۱۳۶۸ هجری [۱۳۲۷] دروس کفایه، مکاسب و منظومه و اسفار را تدریس و فضیای برجسته تربیت نموده» (آثار الحجة، ج ۲، ص ۴۴، ۱۳۷۴ قمری [۱۳۳۲] به نقل از سیدحمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۱ ص ۷۶)

(۱۲) صحیفه امام، جلد ۲۱، منشور روحانیت، ۳ اسفند ۱۳۶۷. سیدمصطفی خمینی متولد ۱۳۰۹ است. دوران خردسالی وی حوالی سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ است. چون در درس‌هایش آراء محی‌الدین عربی و سایر عرفا را نقل می‌کرد تکفیرش کرده بودند. (خاطرات آیت‌الله منتظری ص ۱۹۷)

(۱۳) کلیه‌ی این کتابها به استثنای کشف الاسرار توسط مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی در تهران بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ منتشر شده‌اند.

(۱۴) برخلاف کتابهای دیگر آقای خمینی، تا کنون کشف الاسرار رسماً در جمهوری اسلامی منتشر نشده و ظاهراً مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رغبتی به تصحیح و انتشار آن ندارد. در بهار همان سال (۱۳۲۳) آقای خمینی نامه‌ی منتقدانه‌ای به علما و مردم در کتابخانه وزیری یزد نوشته که در جلد اول صحیفه امام مندرج است.

- (۱۵) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۸۸ و ۷۹۴. به توصیه‌ی مطهری، منتظری از مدرسه‌ی مرحوم حاج ملاصادق به مدرسه‌ی فیضیه منتقل شد.
- (۱۶) سیدمهدی یثربی نقل کرده که این درس در حجره‌ی مطهری در مدرسه‌ی فیضیه که جنب حجره‌ی وی بوده برگزار می‌شده است. فقیه عالیقدر ج ۲ ص ۴۶۰.
- (۱۷) دروس اواخر دوره سطح و اوایل دوره خارج ایشان به این شرح است: چندماهه‌ی به درس رسائل آقای سیدرضا بهاء‌الدینی (۱۲۷۶-۱۲۸۷) حاضر شدند. مقدار زیادی از سطح مکاسب را از آقای داماد استفاده کرده در تابستان هم در اصفهان از درس نهج‌البلاغه‌ی میرزا علی آقا شیرازی (۱۳۳۴-۱۲۵۶) شرکت می‌کردند. سپس از درس خارج اصول آقای حجت کوه‌کمری استفاده کردند. منتظری یک سال از درس خارج فقه و اصول سیدصدرالدین صدر و یک سال و نیم از درس خارج اصول آقای شیخ عباس‌علی شاهرودی نیز بهره برده است. (خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۸۸، ۹۹-۱۰۰)
- (۱۸) پیشین، ص ۹۱-۹۰.
- (۱۹) پیشین، ص ۹۳.
- (۲۰) پیشین، ص ۹۲-۹۳.
- (۲۱) پیشین، ص ۱۰۷.
- (۲۲) پیشین، ص ۱۰۲.
- (۲۳) پیشین، ص ۱۱۱-۱۱۰.
- (۲۴) پیشین، ص ۱۱۲. اخیراً تقریرات آقای خمینی از درس اصول آقای بروجرودی که در زمستان ۱۳۲۳ تا بهار ۱۳۳۰ نوشته شده منتشر شده است: لمحات الاصول، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- (۲۵) مهدی حائری یزدی به برخی از این موارد در خاطراتش اشاره کرده است. خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، طرح تاریخ شفاهی ایران، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، کتاب نادر، ۱۳۸۱.
- (۲۶) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۱۷.
- (۲۷) حضرت امام از حدود سال ۱۳۲۸ به دلایلی که از حوصله این مقال خارج است آن‌چنان از تدریس فلسفه و عرفان فاصله گرفتند و به‌صورت یک فقیه اصولی تمام عیار وارد صحنه گردیدند که دیگر سابقه بیست و چند ساله تدریس حکمت متعالیه و عرفان ایشان از خاطرها زدوده شد و کسانی هم که بعد از این زمان با ایشان آشنا شدند ایشان را به عنوان یک فقیه و اصولی متبحر شناختند در حالی که ایشان پیش از آن دوران به عنوان مدرس کتب صدرالمتالهین در حوزه شهرت داشته‌اند. [مقدمه تحقیق، ص سیزده و چهارده، تقریرات فلسفه امام خمینی ج ۱، سیدعبدالغنی اردبیلی]

- (۲۸) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۹۳. جعفر سبحانی از اواسط بحث استصحاب در دوره‌ی اول شرکت داشته است. (مقدمه‌ی تحقیق لمحات الاصول: تقریرات درس اصول آقای بروجردی به قلم آقای خمینی، ص کح)
- (۲۹) این کتاب چند روز پس از درگذشت مرحوم منتظری از چاپ خارج شد: «محاضرات فی الاصول»، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸، ۵۰۴ صفحه.
- (۳۰) مصاحبه‌ی مورخ ۱۰ دی ۱۳۶۱، مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۱، ص ۴۱۲. مشخصات کتاب مورد بحث: السیدجلال‌الدین الطاهری الاصفهانی، المحاضرات: مباحث اصول الفقه قدوه الفقهاء والمجتهدین السید محمد المحقق الداماد، ۳ جلد، اصفهان، مبارک، ۱۳۸۲. مشخصات کتاب فقه استدلالی به قلم آقای طاهری اصفهانی: کتاب الطهارة، ۲ جلد، قم، مبارک، ۱۳۸۸.
- (۳۱) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۹۴-۱۹۳. این تقریرات هنوز منتشر نشده است.
- (۳۲) تقریرات دوره‌ی دوم اصول آقای خمینی به شرح زیر است:
- تهذیب الاصول، به قلم جعفر سبحانی، در سه جلد، جلد اول ۱۳۳۲، با تقریظ آقای خمینی بر آن در آبان ۱۳۳۴، جلد دوم ۱۳۳۴، جلد سوم ۱۳۴۱. دوره کامل اصول منهای استحساب و تعادل و تراجیح.
 - معتمد الاصول، به قلم محمد فاضل لنکرانی، از آغاز اوامر تا پایان اجتهاد و تقلید، دو جلد، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
 - تنقیح الاصول، به قلم حسین تقوی اشتهاردی، چهار جلد، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۷۷-۱۳۷۵.
- (۳۳) تقریرات دوره‌ی دوم اصول آقای خمینی: جواهر الاصول، به قلم سیدمحمدحسن مرتضوی لنگرودی، چهار جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶. جعفر سبحانی انتهای دوره‌ی سوم را اواسط بحث اشتغال ذکر کرده است. (مقدمه‌ی تحقیق لمحات الاصول: تقریرات درس اصول آقای بروجردی به قلم آقای خمینی، ص کح)
- (۳۴) تقریرات آن به قلم محمد فاضل لنکرانی، از اول طهارت تا اواخر وضو، با عنوان کتاب الطهارة، ۱۳۵۲. ظاهراً آقای خمینی بعد از کتاب زکات و قبل از کتاب طهارت قسمتی از مکاسب محرمه را تدریس کرده است. سپس کتاب طهارت و کتاب مکاسب محرمه را به طور کامل تدریس و نوشته است. (مقدمه‌ی تحقیق کتاب الخلل فی الصلوة، صفحه ز)
- (۳۵) سیدحمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۶-۷۷: روزنامه‌ی کیهان تعداد شاگردان ایشان را در فروردین ۱۳۴۰ بیش از ۴۰۰ نفر ذکر کرده است. بر اساس گزارش ساواک در اسفند ۱۳۳۵ تعداد شاگردان ایشان حدود ۵۰۰ نفر ذکر شده، حال آنکه

دروس دیگر علما ۱۰۰ تا ۳۰۰ برآورد شده است. (پایان نقل قول). با این ارقام باید با احتیاط برخورد کرد. یکی از طرق آزمون این اعداد ظرفیت محل برگزاری درس در آن زمان است، مثلا مسجد سلماسی.

(۳۶) بعد از درگذشت مولف، در دو جلد با عنوان «انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة» در سال ۱۳۷۲ توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شده است.

(۳۷) همگی در الرسائل، تاریخ انتشار: ۱۳۴۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ترجیح داده که این رسائل را به عنوان کتب مستقل منتشر کند.

(۳۸) تاریخ انتشار رساله‌ی نخست ۱۳۷۹ است. رساله‌ی دوم ابتدا در مجموعه‌ی الرسائل در سال ۱۳۴۴ منتشر شد. سپس در سال ۱۳۸۱ همراه با ۹ رساله‌ی مختصر دیگر در الرسائل العشرة که در انتساب برخی از آنها به قلم آقای خمینی تردید است توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تصحیح و چاپ شده است. دیگر رسائل این مجموعه عبارتند از: فروع العلم الاجمالی فی شکایات الصلوة (۱۳۳۵)؛ الفوائد الخمسة: ۱. رساله فی قاعدة من ملک (۱۳۳۳)، ۲. فی تداخل الاسباب، ۳. فی نقد قیاس الاوامر التشريعية بالعلل التکوینیة، ۴. موضوع علم الاصول، ۵. رساله فی تعیین الفجر فی اللیالی المقمره؛ الفوائد الثلاثة: ۱. فی شرح حال العقود و الايقاعات، ۲. فی حال الشروط المخالفة للکتاب والسنة والمباحث المتعلقة بها، ۳. علی الید ما اخذت حتی تؤدی.

(۳۹) این مکتوبات بعد از درگذشت ایشان در دو جلد با عنوان «مناهج الوصول الی علم الاصول» توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در سال ۱۳۷۲ منتشر شده است.

(۴۰) حاشیه بر وسیله و عروة در سال ۱۳۴۱ با هم منتشر شده است. تصحیح جدید آن دو به‌طور مجزا در سال ۱۳۸۱ به مناسبت یک‌صدمین سالگرد تولد مولف توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شده است.

(۴۱) مدت کوتاهی هم در بحث برائت آقا میرسیدعلی ینربی کاشانی شرکت کردند. (خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۰۲)

(۴۲) پیشین، ص ۹۴. آن دو قبلا اندکی از الهیات شفا را نزد آقای طباطبائی خوانده بودند. (همان) منتظری حدود یک‌سوم شوارق را هم پنج‌شنبه و جمعه‌ها از آقای سیداحمد خوانساری درس می‌گیرد. (پیشین، ص ۹۵)

(۴۳) پیشین، ص ۱۴۴-۱۴۳.

(۴۴) پایگاه دیجیتالی مرتضی مطهری، صفحه‌ی زندگی‌نامه‌ی استاد (تاریخ مراجعه ۲۸

آذر ۱۳۹۴) مرحوم شهید مطهری در اولین دوره امتحانات مدرسین شرکت کرد و در رشته‌ی معقول شاگرد اول شد. (عبدالله جوادی آملی، ماه‌نامه‌ی پیام انقلاب، ۷ خرداد ۱۳۶۲، به نقل از مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲ ص ۳۶۲) (۴۵) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۶۵.

(۴۶) عبدالله جوادی آملی: «وقتی به قم آمدم بایستی درس مرحوم آیت‌الله بروجردی را می‌نوشتیم و جزوه‌ی درس را به ممتحنین ارائه می‌کردیم تا به عنوان طلبه‌ی رسمی درس خارج‌خوان قبول می‌شدیم. حضرت آیت‌الله منتظری از طرف حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی جزء اعضای هیات ممتحنه بود و با آن بزرگوار مانوس بودیم و در حقیقت امتحان می‌کرد و جزوه ما را ایشان می‌دیدند.» ماه‌نامه‌ی پیام انقلاب، ۷ خرداد ۱۳۶۲، به نقل از مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲ ص ۳۶۲. «گاهی اوقات بعضی افراد می‌آمدند خود را از جهت درسی خیلی بالا می‌گرفتند و به ممتحنین بی‌اعتنا بودند، مثلاً من یادم هست یکی از آقایان از تهران تازه آمده بود - مثل اینکه بخشی از مباحث فلسفه را در تهران خوانده بود و می‌خواست به قم بیاید- با یکی از ممتحنین جر و بحث شد، بعضی می‌خواستند او را رد کنند که مثلاً این خیلی خودش را می‌گیرد و بلندپروازی می‌کند، من گفتم نه چرا به این دلیل می‌خواهید او را رد کنید در صورتی که از محسنات یک طلبه است که روحیه استقلال و اعتراض داشته باشد.» (خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۶۴) (۴۷) سیدمحمد موسوی بجنوردی از نزدیک‌ترین یاران آقاسیدمصطفی خمینی: «آن مرحوم خیلی از آیت‌الله منتظری تعریف می‌کرد. از فقه ایشان تعریف می‌کرد. از معقول تعریف می‌کرد. او عقیده داشت آیت‌الله منتظری در معقول از مرحوم آیت‌الله مطهری دقیق‌تر هستند.» (مصاحبه مورخ ۲۱ آبان ۱۳۶۲، مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۴۳۳)

(۴۸) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۹۴ و ۱۲۶-۱۳۹.

(۴۹) «من مدتی درس اشارات و مقداری هم اسفار پیش ایشان خواندم.» (مصاحبه‌ی مورخ ۱ اردیبهشت ۱۳۶۳، مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۲۶۳)

(۵۰) جلد اول آن مطالب سالهای ۴۱-۱۳۳۹ است.

(۵۱) تاریخ تدوین جلد دوم داستان راستان آبان ۱۳۴۳ است.

(۵۲) این سه کتاب در یک مجلد در شرف انتشار است: کتاب الاجارة والغصب والوصیة، تقریر اباحت سیدحسین طباطبائی بروجردی، انتشارات سرائی، تهران، ۵۷۶ ص. (۵۳) مناظره جزوه‌ای ۲۴ صفحه‌ای است. افسری به‌نام معنوی در نقد جزوه‌نامه‌ای بی‌ادبانه به آقای منتظری می‌نویسد. ایشان پاسخ می‌دهند، در نامه‌ی مجدد همان

- فرد ایشان در نوبت دوم در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۳۰ پاسخی در ۶۸ صفحه می‌نگارند. بنگرید به مجتبی لطفی، ستیز با ستم، قم، ۱۳۷۸، جلد اول ۷ ص ۱۸-۱۶.
- (۵۴) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۸۱ و ۸۲۶-۸۲۲.
- (۵۵) برای آشنایی با جو آن دوران این کتاب خواندنی است: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقالاتی به قلم سیدمحمدحسین طباطبائی، سیدابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی، مرتضی مطهری، مهدی بازرگان، سیدمحمد بهشتی، سیدمحمد طالقانی و سیدمرتضی جزائری، تهران، شرکت سهامی انتشار، دی ۱۳۴۱. مطهری سه مقاله در این کتاب دارد: اجتهاد در اسلام، مشکل اساسی در سازمان روحانیت، و مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی.
- (۵۶) خاطرات آیت‌الله علی احمدی میانجی، ص ۱۲۹-۱۲۸.
- (۵۷) خاطرات آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، جلد اول، و سیدباقر گلپایگانی، در مصاحبه با سید مرتضی ابطحی، فرارو، ۱۸ خرداد ۱۳۸۹.
- (۵۸) نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، مصاحبه با مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مجله‌ی حضور، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۰.
- (۵۹) روحانی زیارتی، نهضت امام خمینی، ج ۱ ص ۵۹: «تعداد شاگردان ایشان در سالهای اخیر در قم از ۱۲۰۰ نفر تجاوز می‌کرد، یعنی یک برابر و نیم شاگردان درس آقای بروجردی در اواخر عمرشان». این عدد مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد، خصوصاً که منبع و شاهی بر آن اقامه نشده است.
- (۶۰) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۸۸.
- (۶۱) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۹۰-۱۸۸ و ۲۰۵.
- (۶۲) آقایان سیدمحسن حکیم، سیدمحمد حسینی شاهرودی، سیدابوالقاسم موسوی خویی، سیدکاظم شریعتمداری، سیدمحمدرضا گلپایگانی، سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، سیدمحمدهادی میلانی، سیداحمد خوانساری، سیدحسن طباطبایی قمی، محمدعلی اراکی، سیدمحمد بهبهانی، سیدمحمد محقق داماد، سیداحمد زنجانی، میرزا هاشم آملی، مرتضی حائری، بهاء‌الدین محلاتی، سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، سیدصادق روحانی و بنگرید به کتاب نهضت دوماهه‌ی روحانیون ایران، نوشته‌ی علی دوانی، قم، حکمت، ۱۳۴۱، و کتاب اسناد انقلاب اسلامی، پنج جلد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
- (۶۳) صحیفه امام، ج ۱ ص ۹۰، خاطرات آیت‌الله منتظری ص ۲۰۴-۲۰۵.
- (۶۴) صحیفه امام، ج ۱ ص ۱۳۳-۱۳۴، خاطرات آیت‌الله منتظری ص ۲۰۷.
- (۶۵) اعلامیه مشترک مورخ اسفند ۱۳۴۱ با امضای ۹ عالم بزرگ شیعه؛ مرتضی

حسینی لنگرودی، احمد حسینی زنجانی، سیدمحمدحسین طباطبائی، سیدمحمد موسوی یزدی، سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، سیدمحمدکاظم شریعتمداری، سیدروح‌الله موسوی خمینی، میرزا هاشم آملی و مرتضی حائری یزدی (اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۶۹-۶۳)

(۶۶) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۲۵.

(۶۷) صحیفه امام، ج ۱ ص ۱۵۶-۱۵۵.

(۶۸) پیشین، ج ۱ ص ۱۷۸-۱۷۷.

(۶۹) پیشین، ج ۱ ص ۲۴۸-۲۴۳.

(۷۰) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۳۰.

(۷۱) از جمله بازداشتی‌ها مرتضی مطهری و سیدعبدالحسین دستغیب شیرازی بودند. همه‌ی روحانیون بازداشتی - به استثنای سه عالم شاخص - دو ماه بعد آزاد شدند.

(۷۲) برای تفصیل ماجرا بنگرید به کتاب نهضت امام خمینی سیدحمید روحانی زیارتی و نهضت روحانیون ایران علی دوانی.

(۷۳) اعلامیه به مناسبت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۴۲، اسناد انقلاب

اسلامی، جلد پنجم، ص ۶۸-۷۱.

(۷۴) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۳۲. نام این روحانیون به تکفیک شهر در کتاب زیر

آمده است: روحانی زیارتی، نهضت امام خمینی، ج ۱ ص ۶۷۱-۶۶۹، چاپ عروج، ۱۳۸۱.

(۷۵) خاطرات، پیشین، ص ۲۳۸؛ و خاطرات آیت‌الله علی احمدی میانجی، ص ۱۶۳.

ظاهرا متن مکتوب این بیانیه منتشر نشده است.

(۷۶) پاسخ آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری به پرسش جمعیت‌های مذهبی و جمعی از

اصناف بازار، ۱۷ تیر ۱۳۴۲، اسناد انقلاب اسلامی، جلد پنجم، ص ۷۳.

(۷۷) نهضت روحانیون ایران علی دوانی.

(۷۸) صحیفه‌ی امام، ج ۱ ص ۱۶۸-۱۵۹.

(۷۹) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۵۱.

(۸۰) پرتال پژوهشی و اطلاع‌رسانی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

صفحه‌ی دوران مبارزات.

(۸۱) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۶۱.

(۸۲) محمد مصدق نخست وزیر که نفت را ملی کرد و خواست شاه را به جایگاه

شاه مشروطه بنشانند، با کودتای امریکایی انگلیسی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرنگون و در

دادگاه نظامی فرمایشی به زندان و سپس حصر در احمدآباد محکوم شد. او در ۱۴

اسفند ۱۳۴۵ از دنیا رفت.

(۸۳) سیدحسین طاهری خرم آبادی تقریرات این درس را در دو جلد منتشر کرده است: کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.

(۸۴) پیشین، ص ۱۸۸.

(۸۵) پیشین، ص ۱۹۱.

(۸۶) پیشین، ص ۲۰۲.

(۸۷) پیشین، ص ۲۱۰-۲۱۲.

(۸۸) پیشین، ص ۲۲۶-۲۲۷ و ۲۳۰. احمد جنتی در مصاحبه‌ی مورخ ۲۵ مهر ۱۳۶۳: در اعتصابات، اعتصاب یک هفته‌ای نجف‌آباد و بستن مغازه‌ها در تمام شهر از همه جا چشمگیرتر بود. (مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲ ص ۲۶۱)
(۸۹) خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۲۳۱-۲۳۲.

(۹۰) سیدروح‌الله خاتمی، مصاحبه مورخ ۷ اسفند ۱۳۶۲: در مجمع علمای مهاجر در سال ۱۳۴۲ ... تحرکی که آن روز در بین علما نسبت به این مسئله [انقلاب] بود، محرک اصلی آیت‌الله منتظری بودند. در جلساتشان، در صحبت‌هایشان و تحلیل‌هایشان و فرمایشاتشان واقعا علما را حرکت می‌دادند، با اینکه بزرگانی مثل آیت‌الله میلانی حضور داشتند ولی گرداننده مجلس علما در این رابطه آیت‌الله منتظری بودند. (مصطفی ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲ ص ۳۷۱-۳۷۲)

(۹۱) «روحانیون شهرستانهای ایران پس از تقدیم سلام به جناب عالی و ابراز تأثر از پیشامدهای ناگوار و اهانت به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت برای اظهار همدردی و پشتیبانی از هدف مقدس روحانیت از شهرستانها به تهران حرکت نموده، استخلاص حضرتعالی و کلیه محبوسین حوادث اخیر و موفقیت شما را برای اعلاای کلمه اسلام از خداوند متعال خواستاریم.» پیشین، ص ۸۰۲ پیوست ش ۶.

(۹۲) پیشین، ص ۲۳۴.

(۹۳) پیشین، ص ۲۴۵-۲۴۶.

(۹۴) پیشین، ص ۲۴۷: «من در آن زمان [در فاصله قیام پانزده خرداد ۴۲ و قیام بر ضد کاپیتولاسیون سال ۴۳] درس می‌گفتم مدرس حوزه بودم، قبلا هم مدتها بود که درس سطح را می‌گفتم و تازه درس خارج شروع کرده بودم، اولین درس خارج من کتاب صوم بود.» تدریس خارج اصول ایشان چندی بعد انجام شد که در مبحث بعدی خواهد آمد.